



سلام کلاس اولی‌ها

آب امانت است

چاپ نهم و دهم ۶۶۶۶م



داریوش صادقی - مریم ماستری



آن روستا داستان دارد.

آن داستان راست است.

دَر آن روستا آب نَبود. رود نَبود.





باران با آن روستا دوست نبود.

دَر آن روستا دَرَد بود.
تَب بود.

۸





آدم در آن روستا در امان نبود.

آرد مهربونیها شد

♦ در آن روستا آرد نبود. نان نبود.





ماندن در آن روستا آسان نبود.

آرام آرام باد آمد. در آن روستا آبر آمد.





دَر روستا باران آمد. دَر رود آب آمد.

آن روستا آب دارد. بادام با انار دارد.





آن روستا آباد است. آب امانت است.